



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۱۲/۰۹

انجنیر عبدالصبور صافی

صلح دوحه نجات یا سقوط افغانستان

صلح یکی از ضرورت ها و اولویتهای اشد در جوامع به شمار میرود صلح به معنی نبود جنگ نیست بلکه فضیلتی است که از نیرو و قدرت جان مایه میگیرد قسمیکه آزادی به معنی درزندان نبودن نیست و از خود یک مفهوم و ارزش خاص دارد صلح هم دارای ارزش و فضیلت است که بدون آن معنی و مفهوم خود را از دست میدهد، صلح، ایثار، خود گذری و فداکاری می خواهد ولی این خود گذری و ایثار هرگز نباید به بهائی شکستن ستون فقرات باشد که با اندک حرکت به قطع حرامغز و مرگ حتمی بیانجامد، بعضی ها آنقدر با خوشبینی افراطی به خورشید صلح مینگرند که مایه تعجب برمی انگیزد، باید گفت مذاکرات در دوحه نباید آنقدر باعث دلگرمی گردد که همه ارزش ها، دستاوردها و زیر بناهای ایجاد شده در جامعه دست کم در یک قرن اخیر به باد فنا داده شود و نه آنقدر باعث دلسردی شود که تمام آن ارزش های که باید به آن رسید و فرصت بدست آمده از دست برود، هدف آنست که افغانستان دارای دستاوردهای ارزشمندی از زمان امان الله خان تا به امروز است، کشوری که پس از استقلال ده سال در مسیر تحول قرار داده شد، با یک تند باد سقوی، ده ساله دستاوردها از معارف تا مطبوعات از نهضت زن تا آزادی های سیاسی و مدنی وقت، و از ساختمان تا جمیع مظاهر نو گرایی طی هفت ماه به آتش جهل سوخت و سالها سر بلند نکرد باز هم میتواند به کام همان توطئه ها و نابود سازی ها برگردانده شود.

با انفاذ قانون اساسی دوران سلطنت محمد ظاهر شاه یکبار دیگر نسل نو مشعل نبرد حق با ناحق را بر افروخت اما این هم در کمتر از چهار سال فروزان نماند، همان ارتجاع سیاه و عقبگرا با حمایت منطقوی و جهانی استعمار و استعمار زدگان به کمک پاکستان و ایران دار و ندار چهار سال را در آتش جنگ سوختاند، چور کردند، غنیمت بردند، به پاکستان سپردند و ده سال زیر نام مجاهد و طالب و زلفیه و ایرانی و بریادی هفت ماهه سقوی را به انجام رسانیدند تا اینکه کشور را در بند ۴۷ کشور دیگر در آوردند و خود به غولهای ثروت و جایداد های نا مشروع و صاحبان لشکرهای مسلح مبدل شدند.

اکنون که باز در طول این بیست سال وطن صاحب دستاوردهای شده که تا اندازه زخم هایش را التیام بخشیده آزادی های مردم برگشته پروژه های عمرانی و انکشافی یکی پی دیگری به ثمر میرسد روشنگری و روشنفکری در جوانان رشد نموده، بعضی ها میخواهند این همه را باز دستخوش لهیب عقب گرایی قرون اسطانی و سقوی کنند به آرمان این که، است و نیست صلح در دوحه است و طالبان هم فرشته های صلح، این یک فکر از بنیاد باطل است!

هنوز تار سپیدن به صلح پایدار، با حرمت و با عزت راهی دور و درازی را باید پیمود هر قدم باید سنجیده، محاسبه شده و به اساس یک میکانیزم تدوین شده به پیش برود نه احساساتی، مصلحتی و عاطفی چه خاصه آنکه منافع بعضی افراد و یا حلقات در آن متبلور باشد؛ در نظر گرفته شود.

در این روزها یکعده از پشت تریبیونها و کمره های تلویزیونها و مجالس با دهن کف آلود چیغ و فریاد براه انداخته و شیبور صلح دوحه می نوازند، و به یک کش دولت و بخصوص داکتر غنی را مقصرو مانع اصلی صلح میدانند، ولی سؤال در این است که این صدا چرا بر ضد داکتر غنی با این پیمانۀ وسیع نشخوار میشود، لازم به یاد آوریست که هدف من دفاع از داکتر غنی نیست ولی به یک نکته باید اعتراف کرد بدون داکتر غنی جمهوریت هم وجود ندارد لاقلاً در این مقطع زمان، اسد دورانی رئیس پیشین آئی اس آی پاکستان این بار دوم است که میگوید داکتر غنی در دولت آینده که ساخته میشود نقش نخواهد داشت و پاکستان بیشتر به داکتر عبدالله عبدالله و محقق در این خصوص اهمیت میدهد، نیویارک تایمز چاپ امریکا هم بطور غیرمسئولانه نوشته که « با وجود توافق احتمالی طالبان و هیات مذاکرهکننده دولت در قسمت طرز العمل مذاکرات، رئیسجمهور غنی از ادامه گفتگوهای صلح امتناع میکند نیویارک

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنی بڼی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

تایمز در گزارش خود به نقل از سه مقام دولتی روایت کرده که، اشرف غنی بر یک مورد از جزئیات تاکید کرده و آن این که دولت افغانستان در این طرز العمل باید با نام رسمی آن یعنی «جمهوری اسلامی افغانستان» یاد شود. جزئیاتی که به گفته این روزنامه در گذشته نیز باعث توقف مذاکرات شده بود.»

«صدیق صدیقی، سخنگوی ارگ ریاست جمهوری با بیاساس خواندن گزارش روزنامه نیویارک تایمز؛ مبنی بر ایجاد مانع در برابر گفتگوهای صلح توسط رئیسجمهور غنی، گفت که رئیسجمهور همواره در راستای تحرک بخشیدن به مذاکرات صلح تلاش نموده است.»

در عین حال، آقای صدیقی شام روز دوشنبه (۱۰ اوس) تاکید داشت: رئیس جمهور اشرف غنی، با آزادسازی پنج هزار زندانی طالب، یک گام شجاعانه به منظور سرعت بخشیدن به گفتگوهای صلح برداشت، حسنیتی که با تاسف از سوی طالبان پاسخ مثبت داده نشد.»

تأسفبارتر اینکه نیویارک تایمز بعوض آنکه از ترورها قتل و قتل های وحشیانه گروه طالبان یادآوری کند و آنرا بزرگترین مانع در برابر ایجاد صلح و احترام به حقوق انسانی افغانها بداند و مشکلات که در روند صلح ایجاد کرده اند تبصره و نقد نماید از یک گروه تروریست و جنگ طلب قرون اسطیایی دفاع کرده آنها را صلحجو و دولت را ناقض صلح قلمداد میکند واقعاً مضحک و غیر قابل توقع از یک روزنامه جهان مدرن دموکراسی است، درحالیکه این داکتر غنی بود که امریکا را آماده مذاکرات با طالبان جهت تحقق صلح درکشور ساخت.

آیا پیشنهاد داکتر غنی نامعقول بود؟

با امضای موافقتنامه امریکابا طالبان در قطر، طالبان و حامیان آنها فکر میکنند جنگ را برده اند و امریکا را شکست داده اند از این رو با انکار از موجودیت دولت افغانستان، منحنی یک دولت رسمی میخوانند مذاکرات را با سایرگروه های مجاهدین سابق به پیش برند و دولت را هم جز همین گروه ها یکطرف قضیه حساب کنند، در طرز العمل بحث روی همین بود بلاخره به این تفاهم رسیدن که هئیت طالبان اصطلاح امارت را کنار میگذارند و هئیت جمهوری نام (دولت جمهوری اسلامی) خود را کنار میگذارند، یعنی طالب و دولت منیحت دوطرف درگیر بحث را به پیش میبرند این عقب نشینی دولت که با فشارهای جامعه جهانی صورت گرفت در حقیقت یک ضربه به حثیت دولت وارد کرد چون این جنگ را صبغۀ یک جنگ داخلی داد نه جنگ با تروریزم، درحالیکه دولت افغانستان از طرف همه کشورهای جهان برسمیت شناخته شده در تمام جهان نماینده گی های خود را دارد چطور میتواند منحنی یک گروه و یا یکطرف با طالبان داخل مذاکره گردد، این حرف میرساند که باز هم حرف سر همان توافق امریکا و طالبان است که در آن حرف از ایجاد حکومت اسلامی رفته است یعنی طرفین اکنون روی یک میکائیزم ایجاد دولت جدید بحث میکنند و این یک ضربه بزرگیست به جمهوری اسلامی افغانستان و نظام جمهوری.

بعد از تشکیل نشست بن امریکا بفرانسه دولت متشکل از تکنوکرات ها و مجاهدین باید در حمایت از ارتش امریکا، ستراتیژی و منافع امریکا را در منطقه حراست کند و در صورت تنش نظامی میان امریکا، ایران، چین و روسیه انتظار داشت تا دولت افغان آمادگی خود را بخصوص از حمله احتمالی بر ایران بیان نماید و در کنار امریکا بایستد، اما رئیس جمهور اشرف غنی برعکس انتظار اعلام نمود که خاک افغانستان علیه هیچ کشور دیگر مورد استفاده قرار نخواهد گرفت. چنین موضعگیری رئیس داکتر غنی، و نمونه های نافرمانی های مشابه یکجا با عوامل دیگر، امریکا را به این نتیجه زیانبار رساند تا درصدد تضعیف دولت افغانستان سعی نماید بناً مناسبات خود را به همکاری پاکستان با طالبان نزدیکتر ساخت تا آنجایی که با وجود داشتن پلان ستراتیژیک با افغانستان پیشبرد پلان های ستراتیژیک خود در افغانستان و منطقه را به طالبان واگذار نماید، این باعث شد که امروز امریکایی ها به طالبان باوجود آن ذهنیت عصر حجرشان نزدیکی میکنند، کار درمورد تضعیف دولت داکتر غنی بیشتر و خوبتر در زمانیکه «جانبس» سفیر امریکا در افغانستان بود دیده میشود وی بشکل بیشتر مانده در تضعیف دولت مرکزی مصرانه تلاش کرد تا آنکه یکعده را تشویق به نپذیرفتن نتیجه برحق انتخابات کرد.

امریکا واقعاً میخواهد افغانستان را ترک کند؟

سیاستهای عجیب و غریب پرزدنت ترامپ تنها اینها نیستند روابط این کشور را با جهان به مخاطره انداخت و دچار لغزش کرد بلکه در داخل هم با بی اعتنائی و سیاست های ضعیف موج سیل آسای اعتراضات بر علیه تبعیض انژادی و بی عدالتی های اجتماعی بیم و نگرانی نخبگان این کشور را به وحدت ملی ایالات متحده در آینده برانگیخت، چنین روش ناسنجیده سبب شد که آقای ترامپ حمایت خود را در جامعه از دست دهد و باعث گردد که در انتخابات آرای اکثریت ملت را بدست نیآورد، مشکلات سیاسی نیکه آقای ترامپ از خود بجا گذاشته آقای جوبایدن را به آن وادار خواهد کرد تا بیشتر وقت خود را صرف ترمیم این نابسامانی ها نماید، که از آن جمله یکی هم مسئله افغانستان است گرچه سیاست های آقای جوبایدن هم در مورد افغانستان خطرناکتر از ترامپ است چنانچه در یک ملاقات با آقای حامد کرزی به خشم گفت بود که «پاکستان برای ما پیجاء برابر بیشتر از افغانستان اهمیت دارد» و هم باری نظر داد که «جنگ در صورت در افغانستان ختم میشود که افغانستان به چند قسمت تجزیه یا فدرال گردد» چنین سیاست آقای بایدن برای افغانستان و افغانها نگران کننده است گرچه شاید برای یکعده که خود را افغان نمی دانند و افغانستان را سرزمین خود

نمی پندارند جالب و پسندیده باشد، امیدواریم که این نظر و تفکر دور از واقعیت آقای بایدن بعد از بدست گرفتن تصدی قدرت عقلانیت و واقع بینی را بخود بگیرد.

هنوز آقای بایدن نظر مشخص در خصوص خروج عساکر امریکائی از افغانستان نداده ولی نظریات بسیاری از سناتور ها و نظامیان جمهوریخواه در این خصوص متفاوت از آقای ترامپ است، آقای «میچ مک کانل» رهبر اکثریت جمهوریخواه در سنای ایالات متحده هشدار داد که عقب نشینی زودهنگام سربازان کشورش از افغانستان به معنای پشت کردن به متحدان امریکا و یک پیروزی بزرگ برای اسلامگرایان خواهد بود، مک کانل که از حامیان دونالد ترامپ به شمار میرود در سخنرانی خود در صحن مجلس سنا بدون اشاره به برنامه واشنگتن تاکید کرد که پیروزی اسلام گرایان به معنای شکست و تحقیر امریکاست، «دیچه ویلی فارسی».

اروپا نیز با خروج قوای امریکا مخالف است آقای استولتنبرگ روز دوشنبه همچنین اعلام کرده که یک گفتگوی تلفنی عالی «با جو بایدن» داشته و درباره افغانستان نیز صحبت شده است. وی افزود: «بهای ماندن در افغانستان، البته درگیری نظامی است. اما بهای خروج، به خطر انداختن دستاوردهای ما در آنجاست.» دیچه ویلی فارسی

بر علاوه خروج امریکا از افغانستان به معنی شکست و سرفرازی این ابر قدرت است که این را نظامیان و بسیاری امریکاییان نمی پسندند از طرف هم منافع امریکا و کشورهای غربی در افغانستان این اجازه را نمیدهد که امریکاسربازانش را از افغانستان بیرون کشد یکی از دلایل آن ذخیره سرشار ثروت پنهان و طبیعی در جمهوری های شوروی سابق همچواریا افغانستان است، دلیل دیگر نظامیان امریکا برخلاف آقای ترامپ خواهان ماندن در افغانستان اند چنانچه «جنرال مارک میلی» لوی در ستیز قوای مسلح امریکا بتاريخ ۳ دسمبر ۲۰۲۰ گفت که امریکا پس از کاهش تعداد سربازان امریکایی در افغانستان دو پایگاه بزرگ امریکا و «چندین پایگاه ماهوارهای» خویش در افغانستان راحفظ خواهند کرد، احتمالاً که یک از دلایل ماندن این پایگاه هاهم رابطه پرتنش امریکا با روسیه چین و ایران باشد، بنا طالبان که فکر میکردند فاتح میدان اند با آمدن بایدن این خواب شان آهسته آهسته به یاس مبدل میگردد. هفته قبل داکتر زلمی خلیل زاد در قطر به طالبان ملاقات کرد و بعد از ملاقات داکتر خلیل زاد طالبان و سرپرست سفارت امریکا در کابل آقای راس ویلسن گفت که باید از جمله ده هزار زندانی طالب تا نیمه ماه دسمبر هفت هزار طالب رهاگرد که این یک جز توافقنامه امریکا و طالبان است، موافقه که افغانستان در آن حضور نداشته بنا نزد افغانستان رسمیت ندارد، این حرف آقای سفیر امریکا تحقق همان گفته «هربرت مک مستر» مشاور امنیت ملی پیشین امریکا در برنامه هاردتاک بیبسی ثابت میکند که گفته بود: "افغانستان بزرگترین ناکامی سیاست خارجی اداره ترامپ است، ما (امریکا) خروج را چنان اولویت دادیم که با طالبان علیه دولت منتخب افغانستان، همدست شدیم".

مشاور پیشین امنیت ملی امریکا میگوید: "فکر میکنم ما آنچه را همین حالا در افغانستان میبینیم آغاز یک فاجعه انسانی در این کشور است."

این عمل اداره پرز دنت ترامپ مداخله آشکار و بی شرمانه در امور داخلی افغانستان و اهانت به حاکمیت ملی و اراده ملت و دولت افغانستان شمرده میشود مردم افغانستان باید نیت شوم اداره ترامپ را با چشم بینا بنگرند و آنرا مردود بشمارند اینکه طالبان از این زد و بند با امریکا راضی اند واقعاً مایه تأسف ماست.

نظر مختصر به چند دستگی طالبان، و روابط آن با پاکستان؟ لازم است ساختار های طالبان را از نظر بگذرانیم که از نظر تشکیلاتی و نظامی در کدام سطح قرار دارند تا بدانیم که آیا میتوان بالای این گروه صد درصد اعتماد کرد که صلح را تأمین کرده میتواند یانه!

گرچه این سؤال است که جواب آن خیلی دشوار است زیرا پیچیده گی جنگ در افغانستان، مداخلات بلا انقطاع پاکستان و استخباراتی نظامی آن کشور در امور داخلی افغانستان، وابستگی های طالبان به استخبارات پاکستان و منطقه پرداختن به این جواب را دشوار میسازد، ولی با آن هم اگر خوشبینانه قضاوت نکنیم میتوانیم بیک سلسله واقعیت ها دست یافت که بتواند به مشکل ما جوابگو باشد.

گروه طالبان خود به چندین دسته خورد و بزرگ تقسیم میشوند که قرار ذیل اند:

۱۰- طالبان مربوط ملامنصور و شورای کویته، ۳۵ هزار نفر، رهبر ملا هبیت الله، شیخ الحدیث، نورزی، معاونین سراج الدین حقانی، رئیس شبکه حقانی و ملا محمد یعقوب، فرزند ملامحمد عمر.

۲۰- طالبان مربوط ملا رسول، مستقل، ۱۵ هزار تا ۲۵ هزار نفر. در ولایات های هرات، فراه، بادغیس، فاریاب، هلمند، زابل، غزنی و پکتیا حضور نظامی دارند. گروه مولوی رسول، سه معاون سیاسی منصوب کرده است؛ ملا منصور دادالله، ملا شیرمحمد آخندزاده و عبدالمنان نیازی، و ملا باز محمد حارث را به عنوان معاون نظامی انتخاب نموده است.

۳۰- گروه داعش: مستقیم با داعش ارتباط دارد و اکثریت افراد آن جدانشده از بدنه طالبان موجود اند، گفت میشود تعداد آن بیشتر از ۳۴۰۰ نفر در افغانستان است که در آن افراد. گروه های سابق سرحدی پاکستان به نام لشکر

اسلامی، جماعت الحارر، کرم ایجنسی، خیبر ایجنسی، اورکزی ایجنسی، هنگو و پیشاور همه به داعش پیوسته اند.

۵۰- القاعده: این گروه با طالبان روابط تنگاتنگ دارند الی ۱۰۰ نفر و ساحه فعالیت شان در کنراست. رهبر آن در افغانستان سعد بن ابی وقاص می باشد.

۶- گروه محاذ فدائی که یک گروه تروریستی است در قندهار، هلمند و ارزگان فعالیت دارد. گروه محاذ فدائی شاخه ای از گروه ملا دادالله است که توسط ملا نجیب الله یا عمر خطاب تأسیس گردیده این گروه در آدم ربایی، ترور و بمب گذاری ها در افغانستان نقش دارد. این گروه مسولیت ترور مولوی ارسلا رحمانی، عضو شورای عالی صلح و مشرانو جرگه و مقام سابق طالبان را به دوش گرفت. بمب گذاری در مقابل سفارت هند و قتل دو خبرنگار سویدنی و انگلیسی در کابل توسط این گروه صورت گرفته است، ملا نجیب الله، رهبر این گروه اظهار داشته که هدف این گروه لغو روند صلح میان شورشیان و دولت افغانستان و ادامه مبارزه با دولت در کابل و نیروهای ناتو، تا زمانی است که افغانستان را ترک کنند، وی گفته است که دفتر قطر برای حل مشکلات بین طالبان و دولت افغانستان، توسط دولت ایران و به رهبری ملا منصور ساخته شد تا مذاکرات بین دولت افغانستان و طالبان صورت گیرد. او اظهار داشت که ملا عمر به نسبت مریضی کرده که داشت، ضرورت به تداوی داشت. ملا منصور در میان دوا، اولاً به ملا عمر زهر خوراند تا ضعیف گردد. پس از این که ملا منصور وصیت ملا عمر را گرفت، او را به قتل رساند. این کلمات ممکن توسط آی اس آی ساخته شده باشد و برخلاف زهر توسط آی.اس.آی خورنده شد باشد تا روند صلح تخریب شود.

متباقی گروه ها حزب اسلامی گلبدین که تلاش دارد در یک ائتلاف با طالبان یکجاشود این گروه فعلاً ظاهراً با دولت است حزب اسلامی مولوی خالص که هم با دولت است و هم داعش و طالب، البته بر علاوه گروه های فوق ۱۶ گروه دیگر نیز زیر چتر اسلام در افغانستان فعالیت دارند کفایت میکند بگویم این گروه هاهم تروریستی اند در این بحث به همین اکتفا میکنیم.

ضعفهای گروه طالبان!

ضعف های عمده طالبان در دوحه قرار ذیل اند.

۱- وابستگی مطلق این گروه با پاکستان و امریکا، موجودیت این گروه در قطر و روابط سیاسی اقتصادی این گروه با شیخ های عرب که بانک های آنها در دست امریکاهاست.

۲- طالبان ایدئولوژی شکست خورده دارند گفتمان اسلام سیاسی، گفتمان غالب فلسفی نیست و در افکار پویای علوم سیاسی پدیده شکست خورده است، رژیم سیاسی تیوکراسی یا روحانیت در همه جهان روبه زوال است، عصر امروز هژمونی روحانیت رابرساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و علمی نمی پذیرد.

۳- تفسیر طالبان از دولت ملی، ضعف مشروعیت دارد این ضعف در نبود اجماع سایر گروه های اجتماعی به دور طالبان به صراحت دیده میشود. «داکتر ملک ستیز»

اکثریت قومندانان گروه طالبان از مجاهدین که با شوروی سابق میجنگیدن میباشد این قومندانان وابستگی تنگاتنگ با استخبارات نظامی پاکستان دارد و همه به فرمان آی اس آی پاکستان اند این خلأ است که طالبان هر وقت میتواند از آن ضربه کاری بخورد آی اس آی گروه طالبان را به شاخه هامنقسم ساخته که هر آن میتواند از آن به نفع خود بهره برداری کرده و طالبان را زیر فشار جدی قرار دهند.

امروز که طالب دولت افغانستان را منحیث دولت قبول نمی کند از مجبوریت هم پاشیدن شان است زیرا اگر حکومت را به رسمیت بشناسد دیگر جواز برای ادامه جنگ ندارند چون صفحه جنگ با امریکا را بسته کرده اند، اگر مردم افغانستان را بنام ملحد، همدست کافر، کمونیست و دهری یاد نکنند برای انتحار و انفجار در مساجد و کشتن علما و کارمندان دولت هیچ مجوز ندارند که ذهنیت سازی برای انتحار و ترور کنند، پس این همه بازی در محوری احراز قدرت میچرخد که طالبان در صدد بدست آوردن آن اند، نه مسئله دین مطرح است و نه اسلام در آن جای دارد، چنانچه اکثر کشورهای معتبر اسلامی این جنگ را ناروا دانستند ولی طالب هنوز هم این فتواها را ناشنوده میگیرند زیرا با شنیدن این فتوا ها منافع پاکستان و قدرت گیری طالب به خطر مواجه میشود.

دولت جدید اسلامی یعنی چه!

جهان سیستم های مختلف حکومتداری را تجربه کرده است ولی اصطلاح که طالبان در مورد نوع حکومت خود بکار برده اند آنرا جهان جدیداً تجربه خواهی کرد «حکومت جدید اسلامی» طالبان در این خصوص تا اکنون هیچ نوع توضیح بیشتر نداده اند ولی اگر ما ساختار حکومت جدید اسلامی را در حرکات و عمل طالبان جستجو کنیم بغیر از ویرانی سرکها، مکاتب، موسسات عام المنفعه، بندهای برق، بندهای آبگردان، تخریب پل ها، انفجار و انتحار جلوگیری از علم و فنون، پیشرفت و ترقی چیزی دیگر نمی یافیم، حتی در ساحات که سالها زیر تسلط طالبان قرار دارد وقتی جنگ در ساحات تسلط طالبان در میگیرد آوراره گان جنگ به ساحات دولت پناه میاورند، این میرساند که طالبان از جهان، تمدن علم و تکنالوژی و احترام به انسان بسیار فاصله دارند بخصوص اولاد پشتونها بصورت کلی از سود و تکنالوژی محرم ساخته شده است.

طالبان خواستار چه نوع دولت اند!

جهان در کنفرانس ژینوا چند شرط اساسی در برابر افغانستان قرار داد که به گفته آقای حنیف اتمر وزیر خارجه کشور دوش شرط آن بسیار قابل اهمیت است:

شرط اول، آوردن صلح که در آن ارزش های (جامعه جهانی) و جمهوری اسلامی حفظ شده باشد این حرف درگفتار ۹۰ کشور و سازمان های بین المللی مکرراً بیان شد و هم درج قطعنامه گردید.

شرط دوم، حکومت داری خوب و مسئولانه که بیشتر تأکید کشورها بر وحدت ملی و مسئولانه مسئولان بود. سؤال در این است که آیا طالبان توان ایجاد چنین حکومت که بتواند مورد قناعت جامعه جهانی قرارگیرد را دارند؟ طالبان زمانیکه در ۱۳۹۶ هـ ش قدرت را بدست داشتند به جواز امنیت متباقی همه ارزشهای علمی، فنی، اجتماعی، سیاسی، مدنی، اقتصادی، نظامی، کلتوری و فرهنگی را کاملاً از بین برده بودند و افغانستان به کشور تبدیل شده بود که مردم از نهایت مجبوریت در آن شب و روز خود را سپری میکردند، آنده از مبصرین و تحلیلگرانی که در پشت کمره های تلویزیون ها از داخل و خارج قرار میگیرند و با کوتاه نگری و کوتاه فکری دولت جمهوری اسلامی و بخصوص داکتر غنی را به باد انتقاد میگیرند و وی را به غصب قدرت و چوکی و تداوم اقتدار خود در کرسی ریاست جمهوری متهم میسازند و خواستار برکناری و قربانی دولت موجوداند یا ناقص العقل اند یا کور و بی خبر از تاریخ کشور یا هم منافع شان با کشورهای مدافع طالبان گره خورده است، آیا گاهی هم فکر کردند که با کنار رفتن داکتر غنی چه بلای سر این ملت خواهی آمد؟

این حرف شوخی نیست سطحی نگری و وابستگی به غنی هم نیست این یک واقعیت تلخ جامعه ماست و باید آنرا حس کرد آنهاییکه چنین درک را ندارد با حرف های بیپوده ذهنیت ملت را خراب نکنند که فراد باز از جواب داد به ملت عاجز باشند.

ذبیح الله مجاهد سخنگوی طالبان شام دوشنبه ۱۷ قوس مطابق ۷ دسمبر ۲۰۲۰ با ژورنالیست ورزیده تلویزیون شمشاد میرویس ستانکزی مصاحبه داشتند و گفتند:

« آقای مجاهد ایجاد حکومت موقت را بکلی رد کرده گفت که آنها تجارب ناکام از حکومت موقت گذشته دارند و نمیخواهد این تجربه ناکام را تکرار نمایند، آقای ذبیح الله مجاهد در این گفتگو انتخابات را هم بصورت قطع رد کرد و گفت که در انتخابات یک عالم دین شاید هیچ رأی آورده نتواند در حالیکه جانب مقابل اش یک فرد عادی بیشترین رأی بیورد مثال اش هم گلبدین سیاف که چقدر جانفشانی کردند ولی رأی نیاوردند این نه عدل است و نه انصاف،» ضمناً از گفته های آقای مجاهد معلوم شد که آنها خواهان تصاحب کامل قدرت و ایجاد امارت اند، و این آنها اند که برای دیگران در قدرت جای بدهند و...!! لینک این مصاحبه ۴۵ دقیقه در ذیل موجود است.

به اساس گفته های آقای ذبیح الله مجاهد طالبان خواهان ایجاد امارت به شکل امارت متحده عربی که شکل موروثی دارد در افغانستان میباشند که در آن همه ارزشهای مدنی و اجتماعی دیگر وجود نخواهد داشت و این است تحفه، آقای ترامپ به افغانها.

حال اگر جمهوری حفظ نشود نظام که قرار است جای آنرا بگیرد و یا از طرف امریکا بالای افغانستان تحمیل گردد حال تصور کنید که افغانستان زیر نام اسلام و دین در چه کدال خواهد افتد تصور اش نهایت دشوار است پس چار چیست! ۱۰- بدون تردید و با قاطعیت تمام باید گفت که با کنار رفتن داکتر غنی هیچ قدرتی و هیچ نیروی از فروپاشی نظام جلوگیری کرده نمیتواند مطمئن باشید پاکستان منافع خود را در وجود یک افغانستان ضعیف می بیند که در این فروپاشی از هر امکان و دستدرازی دریغ نخواهد کرد.

۲۰- طالبان به هیچ صورت حاضر به آتش بس نیستند زیرا که بالای قومندانان خود اعتماد کامل ندارند و تصور میکنند که با بوجود آمدن آتش بس اکثریت قومندانان طالب که تاحال از واقعیت های عینی جامعه دورنگاه داشته شده اند را از دست خواهند داد، در آتش بس سه روزه قبلی که طالبان وارد شهرها گردیدند و با مردم هم صحبت شده بسیار واقعیت ها را به چشم خود دیدند این عمل شان خشم بسیار شدید ملا یعقوب پسر ملامحمد عمر که فعلاً معاون نظامی طالبان است را برانگیخت و این رفتار طالبان را شدیداً نکوهش کرده و قابل مجازات دانست.

۳۰- هر حکومت که بنام امارت اسلامی که در زمان پیامبر اسلام و خلیفه اول به صورت قطع وجود نداشت و یا حکومت جدید اسلامی تشکیل گردد که در رأس آن طالبان باشند عنان آن بدست پاکستان خواهد بود و طالبان توان ساختن حکومت ملی مورد قبول همه و حکومتداری مدرن که اساس آن به تکنالوژی عصری استوار باشد را ندارند و هم از طرف پاکستان گذاشته نخواهند شد به چند دلیل:

الف- ساختن حکومت ها در این عصری علم و تکنالوژی کار ملا، چری، طالب و عالم دین نیست!

ب- طالبان از لحاظ ساختاری قسمی که در بالا مفصلاً توضیح داده شد وابسته گی به نظامیان پاکستان دارند و تمام قومندانان آنها به امری آی اس آی پاکستان نفس میکشند هر آن که پاکستان بخواهد آنها را به ضد حلقه رهبری آن حتی اگر رهبری طالبان کاملاً ملیگرا و وطنپرستان دواشته هم باشند استعمال کرده میتواند چنانچه به همین منظور آی اس آی طالبان را به دسته ها تقسیم کرده و قومندانان را به خود وابسته ساخته اند.

ت- با آمدن طالبان تمام مشاوری پاکستانی در لباس افغانی و غیر افغانی در تمام جزو تام ها و ستادی رهبری طالبان جابجاشده تمام حرکات و سکنات ایشان را زیر کنترل استخباراتی خود قرار خواهند داد.

ث- استراتژی پاکستان داشتن عمق ستراتژیک در افغانستان است و طالب را بخاطر رسیدن به این هدف تا اکنون تریه تجهیز، حمایت و پشتیبانی کرده است پس با آمدن طالبان افغانستان یا به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم بخواهی و یا نخواهی به صوبه پنج پاکستان تبدیل میشود حتی اگر طالبان چنین بی ننگی را قبول هم نکنند.

ج- طالبان در یک صورت میتوانند مستقلانه و با سر بلندی فعالیت کنند که در کنار دولت جمهوری اسلام افغانستان قرار بگیرند به یقین که با این عمل پاکستان در وجود گروه های جدا شده از طالبان جنگ وسیع را علیه دولت و طالب برآورد خواهند انداخت ولی پیروزی از طالب کنار دولت خواهد بود.

در این جای شک نیست که طالبان افغانان و یک واقعیت جامعه ی ما هستند ولی به هیچ صورت مبرمیت جامعه شده نمیتواند این که امروز مورد لک بخشی ها و نوازش آقای ترامپ قرار گرفته اند بدان معنی نیست که قله های شامخ قدرت را فتح کرده اند، در افغانستان ۳۵ میلیون انسان زندگی میکند و طالب در آن بیش از (۵،۰) فیصد نیست پس خواست ملت جمهوریت، علم، تمدن و انتخابات آزاد است اگر طالبان خواهان هر نوع دولت باشند باید در آن نظر و آرای اکثریت قاطع افغانها وجود داشته باشد طالبان اولتراز همه باید مشروعیت خود را از آرای ملت بدست آورند و بعد حرف از شکل دولت بزنند آدم کشی، انتحار و انفجار هرگز به یک گروه زیر نام دین و سوئی استفاده از اعتقادات مردم مشروعیت داده نمیتواند تاکنون طالب مشروعیت خود را از تفنگ میگیرد که در عصر حاضر این شیوه جای ندارد باید این مشروعیت را مردمی سازد.

پایان